



کودکان کار و خیابان؛ غنچه‌هایی که نشکفته پرپر می‌شوند

کودکان کار و خیابان، قربانیان بی‌گناهی در سراسر جهان هستند که به جای داشتن امکانات نخستین رفاهی و بهره‌مندی از زندگی سالم، فقر و تنگدستی، شادی و هیاهوی کودکی‌شان را به یغما می‌برد و امروز و فردای آنان در خیابان‌ها و زیر کار سنگین نابود می‌شود.

کودکان کار و خیابان، قربانیان بی‌گناهی در سراسر جهان هستند که به جای داشتن امکانات نخستین رفاهی و بهره‌مندی از زندگی سالم، فقر و تنگدستی، شادی و هیاهوی کودکی‌شان را به یغما می‌برد و امروز و فردای آنان در خیابان‌ها و زیر کار سنگین، ناهدم می‌شود. کودکان در دنیای کنونی از موقعیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و به دلیل اینکه وارث و انتقال‌دهنده فرهنگ و ارزش‌های هر جامعه به نسل آینده به شمار می‌روند، نسبت به جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری آنان، حساسیت و توجه بیشتری صورت می‌گیرد.

این گروه سنی در گذشته جایگاه و حقوق اجتماعی درخور نداشت و سواد و علم‌آموزی، تربیت و اجتماعی‌شدن موضوع‌های مهمی در زندگی کودکان تلقی نمی‌شدند.

آموزه‌های ادیان الهی به ویژه اسلام درباره کودکان و حقوق متقابل آنان و والدین و حکومت کامل و جامع به نظر می‌رسد؛ با این همه، چندان در جامعه پیاده نشده است. از این رو، آنچه را اکنون درباره کودک و دوران کودکی مطرح می‌کنند، پدیده‌ای مدرن و مربوط به دوران معاصر می‌دانند.

در رویکرد معاصر، بین کودک و بزرگسال به دلیل «قایل شدن نقش و مسوولیت اجتماعی برای یکی» و «بی‌نیازی به مسوولیت‌پذیری در دیگری» تفاوت وجود دارد. کودکان به عنوان یک گروه سنی که جایگاه اجتماعی و فرهنگی خاص خود را دارند، در محیط شهری مدرن موقعیتی ویژه پیدا کرده‌اند. برای این گروه نقش و مسوولیت اجتماعی در نظر گرفته نمی‌شود، در عین حال به این دلیل که در دوره‌ای «سرنوشت‌ساز» به سر می‌برند و فرایند اجتماعی و تعلیم و تربیت آنان باید به طور کامل و با بهترین کیفیت صورت گیرد، مورد توجه و نظارت شدید خانواده و جامعه هستند. در این میان، حضور پیاپی گروهی از کودکان در خیابان که در نگاه اول به دلیل بی‌خانمانی و قرار گرفتن در بحران اقتصادی به کار در خیابان روی آورده‌اند، نگرانی و آزرده‌گی شهروندان و مسوولان را به دنبال دارد (1).

تغییر و تحولات اجتماعی ایران طی سه دهه گذشته همراه با افزایش آگاهی‌های عمومی و گسترش اطلاع‌رسانی، زمینه تحقیق و بررسی درباره موضوع‌های گوناگون اجتماعی و مسائل مربوط به کودکان و از جمله کودکان کار و خیابانی را فراهم آورده که مورد توجه فعالان اجتماعی و مدنی واقع شده است. مساله کودکان خیابانی فقط به ایران یا کشورهای در حال توسعه محدود نمی‌شود بلکه مساله‌ای جهانی است (2).

** کار کودک؛ مساله‌ای جهانی

صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف) در گزارش‌های سالانه خود با عنوان «وضع کودکان جهان» بخش ویژه‌ای به نام «محافظت از بچه‌ها» دارد که در آن آمار مربوط به کودکان کار را به تفکیک سن و جنس در بیشتر کشورهای جهان (که آمار رسمی کودکان کار را به طور رسمی در دسترس قرار می‌دهند) اعلام می‌کند.

به طور کلی کار کودک به کاری گفته می‌شود که بچه‌ها را از دنیای کودکی و جایگاه و منزلت انسانی محروم می‌کند و به رشد و تکامل ذهنی و جسمی آنان آسیب می‌زند.

سازمان بین‌المللی کار (آی. ال. ا)، کار کودک را کاری می‌داند که:

(1) از نظر ذهنی، جسمی، اجتماعی یا اخلاقی برای بچه‌ها آسیب‌رسان و خطرناک است.

(2) به شکل زیر با تحصیل و فرایند آموزشی آنان تداخل دارد:

- محرومیت از فرصت حضور در مدرسه

- ترک تحصیل اجباری

- اجبار به انجام کارهای سنگین و طولانی افزون بر حضور در مدرسه (3).

آنچه به طور کلی کودک کار خیابانی را از سایر همسالان متفاوت می کند این است که او به هر دلیلی نسبت به زمانی که در کنار خانواده است یا باید در مدرسه باشد، مدت بیشتری را در خیابان های شهرهای بزرگ و مدرن که برای کودکان محیطی متشنج و ناامن به شمار می رود، سپری می کند (4).

****سرنوشتی خاکستری در خیابان**

بر پایه اطلاعات یونیسف نزدیک به 160 میلیون کودک کار در سنین پنج تا 14 سال در کشورهای در حال توسعه زندگی می کنند که 16 درصد همه کودکان این گروه سنی را در بر می گیرند. بیشتر آنان در شرایط سخت و نامناسبی به سر می برند و شمار آنان نیز روز به روز در حال افزایش است. بنا بر آمارهای سازمان بین المللی کار نزدیک به 215 میلیون کودک زیر 18 سال در جهان کار می کنند که کار بیشتر آنان به صورت تمام وقت است (5).

از سال 1997 میلادی (1376 خورشیدی)، «کودکان خیابانی» به کودکانی گفته می شود که در شهرهای بزرگ برای بقای خود مجبور به کار یا زندگی هستند. پژوهش های سازمان بین المللی کار، در سطح نظری الگوهای گوناگون کار کودک را نتیجه رفتار خانواده، فقر، کمبود سواد و آموزش و افت بازار کار و سرمایه بیان می کند (6).

****وضع کودکان کار در ایران**

پیشینه اندیشیدن و مطالعه درباره کار کودکان در ایران به بیش از سه دهه پیش باز می گردد اما توجه به کودکان خیابانی کمی دیرتر و از دهه 60 آغاز شد. در اواسط دهه 70 توجه جامعه ایران به طور جدی به کودکانی جلب شد که در خیابان های تهران و سایر شهرهای بزرگ به دستفروشی مشغول بودند و در پی آن، مطالعات مرتبط با کودکان خیابانی با نوشتن گزارش های مطبوعاتی، تهیه مصاحبه ها و تدوین طرح های حمایتی سیر صعودی داشت (7).

گرچه برخی صاحب نظران بر این باورند که موضوع کودکان کار در ایران هنوز به مرحله بحران نرسیده است اما این کودکان شمار قابل توجهی را به خود اختصاص داده اند. به علاوه فرایند خیابانی شدن کودکان، از شکل گیری گروه های کار خیابانی آغاز می شود و به تدریج بین کودکانی که در خیابان زندگی می کنند و ارتباط خود را با خانواده قطع می کنند گسترش می یابد (8).

در این زمینه، «ولی الله نصر» مدیرکل دفتر امور آسیب های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، دوازدهم بهمن ماه به ایرنا گفت: کودکان کار و خیابان 2 دسته اند که کودکان کار و کودکان خیابان را شامل می شوند. کودکان خیابانی ممکن است در خیابان حضور داشته باشند و کار هم بکنند ولی مسکن و زندگی آنان در سکونتگاه های غیر رسمی است. کودکان کار نیز با خانواده خود زندگی می کنند و برای کمک به گذران زندگی در خیابان حضور داشته و در پوشش مشاغل دروغین فعالیت می کنند. گروه ها و شبکه های تیمی نیز هستند که این کودکان را به کار گرفته و از آنان برای منافع خود سوء استفاده می کنند.

****مراکز ساماندهی؛ روزنه ای به فردا**

مدیرکل دفتر امور آسیب های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور با اشاره به گسترش مراکز ساماندهی کودکان کار خیابانی گفت: هم اکنون نزدیک به 37 مرکز ساماندهی کودکان خیابانی، روزانه و به صورت فعال مشغول شناسایی، جذب و ساماندهی کودکان کار خیابان هستند. طی سال جاری نیز 6 هزار کودک خیابانی شناسایی، جذب و ساماندهی شده اند.

نصر در ادامه به طرح تحقیقاتی ویژه کودکان کار در پنج استان کشور اشاره و تصریح کرد: این طرح از فروردین سال جاری در پنج استان تهران، البرز، همدان، خوزستان و چهارمحال و بختیاری آغاز شده و هم اکنون مرحله آزمون ای (پایلوت) را طی می کند.

این مقام مسوول افزود: این طرح با همکاری مستمر و حضور مفید و موثر سازمان های مردم نهاد (سمن ها) به شناسایی کودکان در خیابان ها و معابر شهری پرداخته و تاکنون نیز روند مثبت و امیدوار کننده ای را در شناسایی، جذب و ساماندهی کودکان کار خیابانی داشته است و اسفندماه ارزیابی نهایی آن انجام می شود.

وی با اشاره به علل و عوامل گوناگون آسیب های اجتماعی تصریح کرد: نباید فراموش کنیم که کودکان کار و کودکان خیابانی نتیجه مستقیم وضع خانوادگی و اجتماعی آنان است و بنابراین در کنار ساماندهی آنان، باید به وضع زندگی خانواده ها نیز توجه کرد تا رسیدگی های لازم به منظور بهبود و ساماندهی آنان صورت گیرد.

به گفته نصر، نکته مهم در این زمینه، آیین نامه ساماندهی کودکان خیابانی مصوب سال 1384 است که پس از هشت سال نخستین جلسه شورای عالی ساماندهی کودکان خیابانی در وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی تشکیل شد و دبیرخانه این شورا نیز در این وزارتخانه قرار دارد.

**تعامل دستگاه ها و یاری سمن ها

نهادهای غیردولتی و سمن ها می توانند در اجرای طرح های اجتماعی مانند شناسایی، جذب و ساماندهی کودکان کار خیابانی نقشی چشمگیر و پویا داشته باشند به گونه ای که در این طرح 11 دستگاه مشارکت دارند و برنامه های خود را برای شورای عالی ساماندهی کودکان خیابانی فرستاده اند.

همچنین کودکانی که در خیابان زندگی یا کار می کنند در معرض انواع آسیب ها و خطرها چون ابتلا به ویروس اچ. آی. وی و بیماری های تنفسی و پوستی، حساسیت، اعتیاد، سوء استفاده های جنسی و مرگ و میر ناشی از حوادث خیابانی قرار دارند.

به گفته مدیرکل دفتر امور آسیب های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، شهرداری یا نیروی انتظامی پس از شناسایی و جذب کودکان خیابانی، آنان را به سرپرست یا خویشاوندان نزدیک می دهند. این کودکان در صورت نبود خانواده مشخص، در مراکز ویژه سازمان بهزیستی نگهداری و تا زمان کسب آمادگی برای ورود مستقلانه به جامعه، در زمینه تحصیل و آموزش، سلامت و بهداشت و... پشتیبانی می شوند.

همچنین کودکان در معرض آسیب از راه مشارکت عمومی و برقراری تماس مردمی با شماره 123 برای «اورژانس اجتماعی» شناسایی می شوند.

به نظر می رسد حل مساله کودکان کار و خیابان در سایه همکاری دستگاه های گوناگون و کمک های مردم و سمن ها محقق می شود. در این میان، توانمندسازی خانواده ها از اهمیت ویژه ای برای پیشگیری از بروز این پدیده برخوردار است.

تا آن زمان و به عنوان برنامه ای میان مدت، با ساماندهی وضع کودکان کار و خیابان، محیط های امن و سالمی برای دستیابی آنان به حقوق مسلم و نیازهای اولیه خود همچون خوراک، پوشاک، مسکن و از همه مهمتر امنیت و تعلیم و تربیت درست ایجاد می شود.

کودکان کار و کودکان خیابان، قربانیان بی گناهی هستند که امروز و فردای آنان در خیابان ها نابود می شود و به جای داشتن کمترین امکانات اولیه رفاهی زندگی و بهره مندی از زندگی سالم، فقر و تنگدستی، شادی و هیاهوی کودکی شان را به یغما می برد و آنان را نباید فقط از پشت لنز دوربین یک عکاس و قاب تلویزیون ببینیم.

خیابان های خالی از کودکان کار همکاری و پشتیبانی جدی و پیگیرانه مسوولان و مردم را می طلبد.

گروه تحلیل و تفسیر خبر

پژوهش **ف.د. 1358**1961

منابع:

(1) ایمانی، نفیسه و نرسیسیانس، ایمیلیا (1391)، «مطالعه انسان شناسانه پدیده کودکان کار خیابانی در شهر کرج»، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره 1.

(2) وامقی، مروئه و همکاران (1389)، «مرور نظام مند کودکان خیابانی در دهه اخیر در ایران»، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره 35.

(3) تولایی، حسین و همکاران (1389)، «رابطه کار کودک با توسعه و رفاه اجتماعی»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره 35.

(4) پروت، آلن (1385)، جامعه شناسی دوران کودکی، ترجمه علیرضا کرمانی و علیرضا ابراهیم آبادی، تهران، نشر ثالث.

WWW.UNICEF.ORG (5)

(6) وامقی، مروئه و همکاران (1389)، «مرور نظام مند کودکان خیابانی در دهه اخیر در ایران»، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره 35.

(7) همان.

(8) ایمانی، نفیسه و نرسیسیانس، ایمیلیا (1391)، «مطالعه انسان شناسانه پدیده کودکان کار خیابانی در شهر کرج»، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره 1.